

ORIGINAL ARTICLE

Investigating the Zoroastrian associations' role on Yazd Zoroastrians' cultural and social life during the Qajar period

Badrosadat Alizademoghadam¹, Morteza Nikravesht^{2*}, Ahmad Bazmandegan Khamiri¹, Sasan Tahmasbi¹

¹Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran.

²Ph.D. student in Islamic history, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Correspondence

Morteza Nikravesht

Email: nikravesht@pnu.ac.ir

How to cite

Alizademoghadam, B., Nikravesht, M., Bazmandegan Khamiri, A., & Tahmasbi, S. (2023-2024). Investigating the role of Zoroastrian associations on the cultural and social life of Yazd Zoroastrians during the Qajar period. *Iran Local Histories*, 12(1), 47-58.

ABSTRACT

With the increasing communication between Indian Persians and Iranian Zoroastrians during the Naseri period, Indian Persians sent representatives and established associations among Iranian Zoroastrians, especially Yazd Zoroastrians, with the aim of improving their fellow believers' status and religious and social affairs in Iran. The formation of these associations in Yazd, along with the efforts of some Zoroastrian reformers, especially the Persians, caused significant changes in the conditions of the Zoroastrians in this area. This research, with a descriptive and analytical approach and based on library and documentary sources, seeks to answer the main question that what role did Zoroastrian associations in Yazd play in Zoroastrians' cultural and social life during the Qajar period? The findings indicate that Indian Persians played a significant role in improving the condition of Yazd Zoroastrians during the Qajar era through the establishment of associations such as Akaber association and Naseri association. These associations with the help of the representatives sent by Indian Persians, played a significant role in Yazd Zoroastrians' social and cultural life in t affaires such as canceling the jizya, establishing new schools, and removing injustices from the Zoroastrian minority.

KEYWORDS

: Zoroastrian societies, Indian Persians, Akaber society, Naseri society, Qajar .

نشریه علمی

تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

بررسی نقش انجمن‌های زرتشتی بر حیات فرهنگی و اجتماعی زرتشتیان یزد در دوره‌ی قاجاریه

بدرالسادات عزیزاده مقدم^۱، مرتضی نیک‌روش^{۲*}، احمد بازمانگان خمیری^۱، ساسان طهماسبی^۱

چکیده

با بالا گرفتن دامنه‌ی ارتباط میان پارسیان هند و زرتشتیان ایران در دوره‌ی ناصری، پارسیان هند با هدف اصلاح وضعیت و امور مذهبی و اجتماعی همکیشان خود در ایران اقدام به ارسال نمایندگان و تأسیس انجمن‌هایی در میان زرتشتیان ایران به‌ویژه زرتشتیان یزد نمودند. تشکیل این انجمن‌ها در شهر یزد در کنار تلاش‌های برخی مصلحان زرتشتی به‌ویژه پارسیان موجب رقم خوردن تحولات قابل توجهی در احوال زرتشتیان این ناحیه شد. این پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی در پی پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که وجود انجمن‌های زرتشتی در شهر یزد در دوره‌ی قاجاریه چه نقشی در حیات فرهنگی و اجتماعی زرتشتیان این ناحیه ایفا کرد؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پارسیان هند از طریق تأسیس انجمن‌هایی همچون انجمن اکابر و انجمن ناصری، نقش قابل توجهی در بهبود وضعیت و اصلاح حال زرتشتیان یزد در دوره‌ی قاجاریه ایفا کردند. این انجمن‌ها با مساعدت نمایندگان پارسیان هند در انجام اموری مانند لغو جزیه، تأسیس مدارس نوین و برداشتن اجحافات از اقلیت زرتشتی، نقش مهمی در حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی زرتشتیان یزد داشتند.

واژه‌های کلیدی

انجمن‌های زرتشتی، پارسیان هند، انجمن اکابر، انجمن ناصری، قاجاریه.

^۱گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
^۲دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

نویسنده مسئول:

مرتضی نیک‌روش

رایانامه: nikravesht@pnu.ac.ir

استناد به این مقاله:

عیززاده مقدم، بدرالسادات؛ نیک‌روش، مرتضی؛ بازمانگان خمیری، احمد و طهماسبی، ساسان (۱۴۰۲). بررسی نقش انجمن‌های زرتشتی بر حیات فرهنگی، اجتماعی زرتشتیان یزد در دوره قاجاریه. دوفصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۲(۱)، ۴۷-۵۸.

مقدمه

با ورود اسلام به ایران بسیاری از معتقدان به آیین زرتشت، آیین جدید را پذیرفتند و گروهی نیز به مناطق مختلف از جمله سرزمین هند مهاجرت کردند و بعدها به پارسیان هند اشتهار یافتند. پارسیان هند در سرزمین جدید به تدریج توانستند ضمن حفظ هویت خویش تعامل قابل توجهی با جامعه هند برقرار کرده و با تاسی از برخی از سنت‌های رایج در هند در جهت حل و فصل و اداره بهتر جوامع خود گام بردارند. از جمله این سنت‌ها، تشکیل انجمن یا شوراهایی از ریش سفیدان تحت عنوان پنجایت‌ها بود. تشکیل این شوراهای، علاوه بر ایجاد همبستگی بیشتر پارسیان، به تدریج زمینه را جهت تعامل بهتر با جامعه هند و ارتقاء سطح مرتبه اجتماعی و اقتصادی آنان را فراهم آورد. اگرچه پارسیان هند در این برهه کم و بیش با زرتشتیان ایرانی در ارتباط بودند اما در این مرحله پارسیان در صدد برآمدند که دامنه ارتباط خود با زرتشتیان ایران را فراخ‌تر کرده تا ضمن انتقال تجربیات خود، اقداماتی نیز در جهت بهبود حال زرتشتیان ایران انجام دهند. در این جهت پارسیان ضمن تشکیل انجمنی به نام انجمن بهبودی حال زرتشتیان ایران و صندوقی جهت حمایت مالی از تصمیمات این انجمن، نمایندگانی به ایران و به ویژه شهر یزد از مهمترین مراکز زرتشتیان ایران فرستادند. نمایندگان پارسیان هند با تشکیل انجمن‌ها در بین زرتشتیان ایران، به ویژه در میان زرتشتیان یزد نخستین گام در جهت انجام تحولات مهمی چون احیاء و اصلاح دینی، اصلاحات آموزشی و اجتماعی برداشتند. بعدها تشکیل نخستین پنجایت در یزد پایه و اساس جهت تشکیل انجمنی دیگر تحت عنوان انجمن ناصری یزد شد. تشکیل این انجمن‌ها به ویژه در شهر یزد نقش عمده‌ای در حیات اجتماعی و فرهنگی زرتشتیان این ناحیه به همراه داشت.

به رغم اهمیت این انجمن‌ها و نقش آنان در حیات اجتماعی زرتشتیان یزد تاکنون پژوهش مستقلی در این باب صورت نگرفته است و اغلب مقالات بصورت کلی به وضعیت زرتشتیان ایران در دوره صفویه و قاجاریه پرداخته‌اند. از جمله این پژوهش‌ها، علی اکبر تشکری (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان "درآمدی بر شرایط اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان یزد در دوره قاجاریه" به بررسی احوال زرتشتیان یزد در دوره قاجاریه در دو مرحله از شروع دوره قاجاریه تا انقلاب مشروطه واز دوره مشروطه تا دوره پهلوی اول پرداخته است. جلیل نابیان و جواد علیپور سیلاب (۱۳۸۹) در مقاله "مانکجی لیمجی و جامعه زرتشتیان ایران در عصر قاجار"

بیشتر به اقدامات مانکجی در رابطه با زرتشتیان ایران پرداخته شده است. همچنین رضا مهرآفرین و ملیکا حیدری (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان "مقاله روابط فرهنگی و مذهبی پارسیان هند با زرتشتیان ایران" به مهاجرت زرتشتیان هند و چگونگی برقراری ارتباط آنها از دوره صفوی تا پهلوی پرداخته‌اند. مسعود دادبخش نیز در مقاله‌ای با عنوان "انجمن‌های زرتشتی در دوران قاجار و پهلوی اول و تأثیرات آن‌ها بر جامعه زرتشتیان ایران" به بررسی کلی نقش کلیه انجمن‌های زرتشتی در شهرهای ایران از قاجار تا پهلوی اول پرداخته است. برخلاف بحث حاضر که بیشتر معطوف به دوره ناصری و شهر یزد می‌باشد تمرکز عمده این مقاله بر تأثیر این انجمن‌ها در شهرهای مختلف ایران و تأثیر آن بر وقوع انقلاب مشروطه و قدرت‌گیری رضا شاه می‌باشد. همچنین شایان ذکر است که در این زمینه اخیراً توسط علی اکبر تشکری کتابی تحت عنوان "تاریخ اجتماعی زرتشتیان یزد" به رشته تحریر درآمده است. این اثر از سوی مرکز ایرانشناسی دانشگاه کالیفرنیا - ارواین منتشر شده است که متأسفانه فعلاً در داخل کشور قابل دسترسی نیست، اما از نام کتاب چنین برمی‌آید که به طور کلی به شرایط اجتماعی بهدینان در یزد از دوره تیموری تا پهلوی اول پرداخته شده است.

بنابراین و با توجه به اهمیت موضوع مورد بررسی، این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤالات اصلی است که نقش پارسیان هند در پیدایش انجمن‌های زرتشتیان یزد چه بوده است و نیز تأثیر انجمن‌های زرتشتیان یزد در تحول شرایط عمومی زرتشتیان یزد چگونه بود؟

۱- زمینه‌های شکل‌گیری انجمن بهبود حال زرتشتیان ایران

سرزمین هند از دیر باز پذیرای مهاجران بسیاری بوده است. از جمله این مهاجران گروهی از زرتشتیان ایرانی بودند که پس از تهاجم اعراب مسلمان به ایران، راهی هندوستان شده و در مناطق مختلف هند ساکن شدند. زرتشتیان ایران که در هند به پارسیان اشتهار داشتند پس از اسکان در مناطق مختلف هند، با استفاده از شرایط و برخی از سنت‌های موجود در هند به تدریج در جهت تشکل و بالندگی جامعه خود بهره بردند. از جمله این سنتها، ایجاد شوراهایی تحت عنوان پنجایت‌ها بود، پنجایت‌ها به شورای ریش سفیدان و بزرگان مناطق روستایی در هند گفته می‌شد که وظیفه حل و فصل امور در مناطق مختلف و حتی گاه وظیفه برقراری نظم و امنیت در روستاها را به عهده داشتند (تاپار و اسپیر،

۲- انجمن اکابر یزد

۲-۱. شکل گیری انجمن اکابر یزد

پس از تشکیل انجمن اکابر پارسیان در هند، پارسیان در صد برآمدند که در جهت کسب اطلاعات بیشتر از جامعه زرتشتی ایران و اجرای برنامه هایی در جهت اصلاح حال آنان، نماینده های به ایران اعزام شود. در این جهت و با نظر شورای اکابر، مانکجی صاحب به عنوان اولین نماینده انجمن اکابر پارسیان هند در ایران به ویژه یزد، راهی ایران شد. اجداد مانکجی خود از مهاجران ایرانی به هند بودند که در اوایل دوره صفویه به دلیل فشارهای سیاسی و اجتماعی از ایران به هندوستان مهاجرت کرده (اشیدری، ۲۵۳۵: ۴۳۵)، و پس از چندی در بمبئی ساکن شده بودند (شهمردان، ۱۳۶۳: ۶۱۷-۶۱۹)، با حضور بریتانیا در هند، و رسیدن مانکجی به دوران جوانی، وی پس از مدتی خدمت در قشون انگلیس بعنوان تحویلدار مالی مانند بسیاری از پارسیان هند، وارد خدمات بازرگانی گردید و ضمن سفر به به شهرهای مختلف با مسافران و بازرگانان متعدد از جمله بازرگانان ایرانی آشنا شده بود. این آشنایی ضمن بیشتر کردن علاقه وی به سرزمین اجدادیش، موجب افزایش اطلاعات وی از ایران و به ویژه ایرانیان زرتشتی شده بود (شهمردان ۱۳۶۳: ۶۱۹-۶۱۷). در همین ضمن دیدار وی با میرزا حسین خان مشیرالدوله که از طرف دربار ناصر الدین شاه به هند آمده بود (آدمیت، ۱۳۶۱: ۷۹) زمینه را برای سفر وی به ایران مهیاتر کرد. بدین روی مانکجی به عنوان اولین نماینده پارسیان هند با ماموریت تهیه گزارشی از شرایط اجتماعی، سیاسی و فکری زرتشتیان ایران، به ویژه زرتشتیان یزد روانه ایران شد. زرتشتیان ایران در ابتدای حضور مانکجی در کشور دارای موقعیت اجتماعی و سیاسی بسیار ضعیفی بودند (بویس، اسفند ۱۳۶۴، ش ۲۶: ۴۲۷). چنانکه در شهر یزد که از مراکز اصلی حضور زرتشتیان در این دوره بود، زرتشتیان علاوه بر مسایلی چون دریافت جزیه از آنان، از مشکلاتی چون عدم جواز ساخت و تعمیر اماکن دینی، عدم اجازه سفر به خارج، ربودن دختران زرتشتی و اسلام اجباری آنان و مسایل دیگر در رنج بودند. از طرف دیگر دورافتادگی یزد و عدم اجازه ارتباط زرتشتیان با مناطق دیگر خود به نوعی در عقب افتادگی بیشتر فرهنگی این اقلیت نیز نقش قابل توجهی ایفاء می کرد. در این جهت مانکجی پس از ورود به یزد و دیدار با موبدان زرتشتی در جهت رتق و فتق بهتر امور زرتشتیان و ارتباط مداوم با انجمن پارسیان، نخستین انجمن اکابر یزد را با الگوگیری از پنجلیت ها، پایه ریزی کرد. به نظر می رسد که در کنار اصلاح و بهبود شرایط زرتشتیان، از جمله اهداف مهم تشکیل

۱۳۸۷: ۵۲-۵۰). شکل گیری تدریجی این انجمن ها در میان پارسیان هند علاوه بر ایجاد نوعی همگونی با جامعه هند، انسجام و اتحاد بیشتر میان پارسیان هند را نیز به همراه داشت. به تدریج و هم زمان با حضور استعمار انگلیس در هند، پارسیان ضمن ایجاد رابطه نیکو با انگلیسیها، و اخذ مجوز جهت افزایش زمینه های فعالیت انجمن های خود به خصوص در شهرهای بزرگ، از توان این انجمن ها در جهت گسترش فعالیت های تجاری و اقتصادی بهره جستند. چنانکه در این جهت پارسیان توانستند جایگاه مهم مالی و تجاری برای خود رقم زده و نقش قابل توجهی در امور تجاری و مالی شهرهایی بزرگی چون بمبئی ایفاء نمایند.

شهرت و مهارت آنها در مباحث مالی و صرافی و کسب ثروت به تدریج به جایی رسید که آنان به یهودیان هندوستان اشتها یافتند (شورش هندوستان، ۱۳۷۲: ۱۳۲). پارسیان هند در این برهه در کنار تشکیل برخی انجمن های مدرن به شکل انجمن های خیریه که بر پایه تغییر و تحول در ساختار انجمن های سنتی پارسیان یا (پنجلیت) بود در صد برآمدند که با اتکاء به تجربیات خود و به منظور رسیدگی به امور زرتشتیان تازه وارد از ایران به هند، اقدام به تشکیل انجمنی نمایند و در ضمن نیز به حمایت زرتشتیان ایران بپردازند. سرانجام این انجمن توسط خانواده گلستان بانو در بین پارسیان هند (بمبئی) تأسیس گردید (امینی، ۱۳۸۰: ۲۸۲). خانواده گلستان بانو هم زمان با روی کار آمدن قاجارها و مصائب آن دوران، به بمبئی در ۱۷۹۵ م مهاجرت کرده بودند (بویس، اسفند ۱۳۶۴، ش ۲۶: ۴۲۵)، طی این مهاجرت، گلستان بانو با جوانی ثروتمند از خانواده مشهور پارسی به نام فرامجی بیجاجی ازدواج نمود و حاصل این ازدواج چهار دختر و پنج پسر بود (شهمردان، ۱۳۶۲: ۱۳). بعدها پسران گلستان بانو، پور جورجی فرامجی، پشوتن جی و مهروانجی، در سال ۱۸۳۴ م «انجمن خیریه زرتشتیان بینوای ایران» را بنیان نهادند. به تدریج با حمایت مالی پارسیان و تحت سرپرستی خانواده گلستان بانو در ۱۸۳۹ م اساسنامه صندوق خیریه زرتشتیان ایران تصویب شد (شهمردان، ۱۳۶۲: ۲۸۶).

با توجه به حمایت تجار پارسی، در ۱۸۵۴ م مهروانجی به منظور کمک مستقیم به زرتشتیان ایران در صدد تأسیس انجمنی مجزا برآمد و با حمایت بازرگانان ثروتمند بمبئی «انجمن بهبود حال زرتشتیان ایران» که در ایران به «انجمن اکابر پارسیان» شهرت یافت، تأسیس گردید (مانکجی، ۱۲۸۰ ق: ۲۱ و شهمردان، ۱۳۶۰: ۲۸۵).

جزیه مقرر شده بود همان مالیات چنان سال به سال افزوده شد که از طرف دیوانیان یک هزار و دویست و پنجاه تومان مقرر نمودند. ولی حکام زیادتر می گرفتند. این بود که از یک طرف روز به روز بر ظلم حکام بر آنان افزون شده و از یک طرف تعدیات و صدمات الواط و اشرار، مسدود شدن راه دادخواهی خدمت اولیای دولت، نه دستی که بر سر زنیب و نه پای گریزی که بر در زنیب. این بود که که قریب هزار خانه بیش نمانده بودیم و همگی عن قریب بود که یک دفعه دین را از دست بدهیم یا جلای وطن شویم" (اشیدری، ۱۳۵۵: ۲۸۸/۱) این در حالی بود که تلاش‌های فراوانی در زمان صدرات امیرکبیر جهت برداشتن اجحافات از اقلیت زرتشتی انجام شده بود. در این جهت امیرکبیر طی نامه‌ای که در نتیجه تظلم خواهی گروهی از سران زرتشتی یزد نگاشته بود به نایب الحکومه یزد در جهت واگذاری امر گرفتن جزیه به خود سران زرتشتی و رساندن آن به مأموران دولتی و عدم اجحاف به آنها فرامینی صادر کرده بود. نامه میرزا تقی خان وزیر به شیخعلی خان نایب الحکومه یزد، جمادی الثانی (۱۲۶۶) اما با عزل و مرگ وی این اقدامات نا تمام رها شده و به فراموشی سپرده شد. پس از مرگ امیر کبیر با آمدن نماینده انجمن اکابر هندوستان یعنی مانکجی و تشکیل انجمن اکابر به ویژه در یزد بار دیگر امید اقلیت زرتشتی برای انجام برخی اصلاحات به ویژه لغو جزیه قوت گرفت. با این حال رسیدن به این هدف مستلزم گذاشتن از موانع زیادی بود. در این جهت مانکجی با ایجاد ارتباط با دربار ناصری و دادن هدایا و پیشکشهای زیاد در صدد جلب نظر آنان بر آمد. در این جهت به نظر می رسد که ناصرالدین شاه هم بنا به دلایلی چند در اجابت خواسته انجمن اکابر تعلل می کرد. از مهمترین دلایل، نگرانی از واکنش علمای شیعه بود که گرفتن جزیه را امری فقهی و متکی به آیات و روایات می دانستند و این خود عامل مهمی در عدم پاسخ شاه به درخواست جامعه زرتشتی بود. شاهد این مدعا، لغو جزیه در سال ۱۲۹۹ ه.ق است که از عوامل اصلی شورش گسترده مردم یزد در سال ۱۳۰۰ ه.ق محسوب می شود که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از زرتشتیان گردید. جامعه زرتشتیان یزد در مکاتبات خود با مانکجی نگران حذف جزیه بودند که مبادا با این اقدام «کافر حربی» شناخته شوند و سرانجام این «طایفه را بالکل تلف نمایند» (اشیدری، ۱۳۵۵: ۲۸۸/۱).

عامل و مانع عمده دیگر عدم اجرای فرامین شاه در زمینه تخفیف جزیه و حتی لغو آن، به ساختار ناکارآمد حکومت قاجار برمی گردد. حکام و دیوانسالاران محلی هر یک از دریافت جزیه

انجمن اکابر یزد، کاهش قدرت برخی از دستوران و طبقه اربابان سنتی در جامعه زرتشتیان یزد و رفع مشکلات بصورت شورایی بود. در این جهت می توان به یکی از نامه های مانکجی اشاره کرد که وی ضمن تاکید بر مقام موبدان می نویسد: «می دانید بایی که در هر ملت رسم است، ریش سفیدی و بزرگتری می باشد که سرپرستی طایفه خود را بنماید نه آن که امر به جهت خودپسندی آن شخص باشد، بلکه خدمتی بر جماعت محل خود است. اعضای پنجایت باید اول این فکر را بکنند و اگر قوت انجام خدمت را در خود می بینند عضو پنجایت گردند و پای در عمل گذارند» (اشیدری، ۲۵۳۵: ۲۵۶-۲۵۷). وی همچنین در یادداشت های خود از سلطه گروهی کوچک از موبدان زرتشتی یزد یاد کرده که به سبب زد و بند با مأمورین حکومتی دارای ثروت و امتیازات زیادی شده بودند و در برابر هر نوع حرکت اصلاحی که به زیانش بود، با تمام توان ایستادگی می کرد (مانکجی، ۱۲۸۰: ۸۲-۸۳). با در نظر گرفتن چنین شرایطی، ضرورت وجود کار گروهی و شورایی جهت انجام اصلاحات و مقابله با مخالفت‌های درونی و بیرونی برای اقلیت زرتشتی ملموس تر شده و زمینه تشکیل انجمن اکابر در مراکز مهم سکونت این اقلیت در ایران به ویژه شهر یزد فراهم گردید.

۲-۲. اقدامات انجمن اکابر یزد و پیامدهای آن

بدین ترتیب در نتیجه مساعی نماینده انجمن پارسیان هند مانکجی، انجمن اکابر یزد (سپندارمذ و اسفندماه ۱۲۲۳ یزدگردی / ۱۲۷۱ق / ۱۸۵۴م) تشکیل گردید. انجمن اکابر یزد از بدو شروع به کار با رهنمودهای نماینده انجمن اکابر پارسیان علاوه بر اهتمام بر مسایلی همچون احیای انسجام درونی زرتشتیان یزد و ایجاد ارتباط با مناطق دیگر و تأکید بر مسایلی عمومی چون لغو جزیه از زرتشتیان و آموزش و پرورش فرزندان زرتشتی، وظایف متنوعی در ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی را در برنامه خود قرار داد (شهردان، ۱۳۵۴، هوخ، ش ۱۲: ۲۵).

در این میان به نظر می رسد که یکی از مهمترین اقدامات این دوره برداشتن مانع بزرگی چون جزیه از زرتشتیان بود. این مسأله به ویژه در ارتباط با شهر یزد به عنوان مرکزیت اصلی حضور زرتشتیان از اهمیت بیشتری برخوردار بود. در این برهه فشار جزیه و افزایش سال به سال آن چنان عرصه را به زرتشتیان یزد تنگ کرده بود که یکی از زرتشتیان یزد طی نامه ای به هم کیشان خود در بمبئی چنین آورده است: "از این طایفه بهدینان در یزد شش هزار خانه وجود داشت و در آن ایام دویست تومان

منافعی کلان می‌بردند و حذف آن را بر نمی‌تافتند (نامه جماعت مجوس دارالعباد یزد به صدر اعظم).

در چنین فضایی مانکجی از یک طرف ضمن ارتباط با مراجع نجف و طرح سوالاتی در خصوص نحوه برخورد مسلمانان با اقلیت زرتشتی از شیخ انصاری و گرفتن جواب‌های مناسب (مانکجی، ۱۲۸۰ق: ۲۸-۲۹) و از طرف دیگر با دادن رشوه‌های کلان به ناصرالدین شاه و اطرافیان وی (جکسن، ۱۳۵۳: ۱۶۶) و جلب حمایت وزیر مختار بریتانیا ر.ف. تامسن در ترغیب شاه به لغو جزیه و باقی گذارن نام نیک از خود در جهان، سرانجام در رمضان سال ۱۲۹۹ ه.ق موافقت ناصرالدین شاه را در لغو جزیه را جلب کرده و بدین ترتیب زرتشتیان یزد و کرمان از پرداخت ۸۳۵ تومان جزیه که از این مقدار ۸۰۰ تومان مربوط به زرتشتیان یزد و مابقی از زرتشتیان کرمان بود معاف شدند (امینی، ۱۳۸۰: ۵۹-۶۰، عریضه مانکجی به ناصرالدین شاه). این پیروزی بزرگی برای انجمن اکابر هندوستان و انجمن اکابر یزد بود که سرانجام با همگرایی و مساعدت توانستند به یکی از موانع بزرگ که موجب انزوای و تحقیر این اقلیت کهن را فراهم آورده بود، فایق آمدند.

اما فعالیت انجمن اکابر در مسأله جزیه خلاصه نشد. در واقع اهمیت آموزش و پرورش در دگرگونی جوامع از دید پارسیان هند باعث گردید که انجمن اکابر یزد تحت نظارت مانکجی بخش عمده‌ای از تلاش خود را مصروف احداث مدارس جهت تعلیم و تربیت کودکان زرتشتی کند (اردشیر زارع، ج ۱: ۱۱). بدین ترتیب مدارس برای تعلیم و تربیت زرتشتیان در شهرهایی همچون کرمان و یزد با بودجه ای که از پارسیان هند اختصاص یافته بود، دایر شد. از گزارش جلسهٔ امرداد ۱۲۷۲ق/۱۸۵۷م بر می آید که یازده مدرسه در محلات مختلف یزد و روستاهای اطراف آن دایر گردیده بود. هزینه این مدارس را مانکجی از طرف پارسیان هند پرداخت و انجمن اکابر این مدارس را سرپرستی می کرد (اشیدری، ۱۳۵۵: ۲۷۳). به رغم تلاش های مانکجی اکثریت جامعه زرتشتی و به ویژه موبدان و دستوران زرتشتی چندان تمایلی به باسواد شدن جامعه زرتشتی نداشتند و این مسئله تلاش های انجمن اکابر را با مشکلاتی مواجه ساخته و گاه موجب به تعطیلی کشاندن مدارس شده بود. چنانکه در این جهت موبدان از مانکجی خواسته بودند که در کار آموزش فرزندان عوام کوشش نکند و بدین سبب مشکلاتی نیز برای دانش آموزان زرتشتی ایجاد می کردند و به آنها می گفتند: "از دانش و بینش چیزی به دست نخواهد آمد، بروید و پیله وری و برزگری پیشه کنید که نانی به دست توانید آورد" (امینی، ۱۳۸۰: ۲۶) با این حال مانکجی از پیگیری در این

جهت دست نکشیده و درصدد بر آمد که از طرق دیگر به ادامه این راه بپردازد. در این زمینه مانکجی در خطابات خود چنین اشاره کرده است: "برادران را یاد هست، هنگامی که در یزد بودیم هیچده نفر را زبده کردیم و تهیه دیدیم که به بمبئی بفرستیم که آنجا کمالی حاصل کنند و مراجعت نمایند برادران را تربیت نمایند مرحوم دستور نامدار و ... و سایرین زن و مرد مدعی شدند و نگذاشتند" (امینی، ۱۳۸۰: ۲۴) وی همچنین در سال ۱۲۸۲ق/۱۸۶۵م تعدادی از کودکان یزد و کرمان را به تهران برد و در آنجا دبستان شبانه روزی زرتشتیان را دایر کرد و برای آنکه والدین آن کودکان به بهانه بینوایی و فقر مانع تحصیل آنها نشوند مقرری برای والدین این کودکان ارسال می کرد. با این حال مانع تراشی موبدان به شکلهای مختلف در جهت تعلیم و تربیت این کودکان همچنان استمرار داشت (شهمردان، ۱۳۳۰: ۶۳۸-۶۳۹).

انجمن اکابر همچنین در کنار اهتمام به امر تعلیم و تربیت در جهت انسجام بیشتر زرتشتیان، تأکید بسیاری بر احیای برخی از آداب و رسوم همچون آیین سدره پوشی و بستن کشتی در میان زرتشتیان داشت (مانکجی، ۱۲۸۰ق: ۵۹). در همین جهت برگزاری جشن های گهنبار نیز که زرتشتیان یزد نسبت به آن بی تفاوت شده بودند. دوباره احیاء گردید و مبلغی برای مخارج این مراسم و سدره و کشتی افراد بی بضاعت زرتشتی اختصاص یافت (اشیدری، ۱۳۵۵: ۲۶۸). به نظر می رسد که انجام امور یاد شده در کنار تعمیر و مرمت ابنیه مذهبی و ساخت آتشگاههایی در کنار دخمه ها در شهر یزد و روستاهای اطراف آن و تجمع این اقلیت در این مکان ها موجبات محبت و اتفاق بیشتر زرتشتیان یزد را فراهم آورد (امینی، ۱۳۸۰: ۱۹) انجمن همچنین بامشارکت در انجام اموری چون ساختن آب انبار، کمک به دختران و پسران جوان و فراهم آوردن زمینه ازدواج آنها (شهمردان، ۱۳۶۲: ۹۰) در جهت سر و سامان دادن به امور اجتماعی زرتشتیان اهتمام ویژه ای مبذول کرد. بدین ترتیب تلاش حدود سه دهه مانکجی در کنار انجمن اکابر یزد دستاوردهای قابل توجهی برای این اقلیت در یزد به همراه داشت. هرچند میزان تأثیر گذاری عملی این اقدامات بر وضعیت زرتشتیان یزد تحت تاثیر عواملی چون ساختار غیرمتمرکز حکومت، آشوب های مقطعی، جامعه سنتی یزد و در نهایت برخی اختلاف نظرها در میان اقلیت زرتشتی یزد قرار می گرفت. در واقع به رغم تمامی اقدامات یاد شده زرتشتیان یزد پس از مانکجی نیز همچنان به عناوین مختلف در معرض انواع مشکلات و مسایلی ناشی از اقلیت بودن قرار داشتند.

۳- انجمن ناصری یزد

۳-۱. شکل‌گیری انجمن ناصری یزد

اگرچه مانکجی در دوره حیات خود تلاش فراوانی در جهت انجام اصلاحات در جامعه زرتشتی یزد مبذول کرده بود اما پس از مرگ وی گروهی از موبدان سنتی که در صدد احیای قدرت دیرینه خود بودند از فقدان وی بهره‌جسته و در صدد احیای وضعیت گذشته بر آمدند. در این جهت این گروه ضمن به تعطیلی کشاندن انجمن اکابر یزد، با حضور فرستاده جدیدی که از سوی انجمن اکابر پارسیان به ایران فرستاده شده بود نیز سر به مخالفت برداشتند و با ارسال نامه‌هایی بر علیه کیخسروجی نماینده جدید ارسالی پارسیان هندوستان، مخالفت خود را با حضور وی در ایران اظهار داشتند. به رغم این مخالفت‌ها، کیخسروجی پس از آمدن به ایران، مهمترین هدف خود را احیاء و سر و سامان دادن به انجمن اکابر قرارداد. چرا که وی به نیکی دریافتی بود یکی از راه‌های فایق آمدن بر مشکلات موجود، ایجاد اتفاق میان جمعیت زرتشتی بود. بدین منظور او با تلاش‌های بی‌وقفه، در نهایت توانست در تهران، کرمان و یزد انجمن‌های جدید تحت عنوان انجمن ناصری دایر نماید.

کیخسرو جی نیز خود از خاندان ایرانیان مهاجر زرتشتی به هند بود و از سابقه و عملکرد کار گروهی در قالب انجمن‌ها اطلاع کامل داشت. در واقع وی نیز در جهت برخورداری بیشتر از توان جامعه زرتشتی و تداوم اصلاحات و مقابله با موبدان سنت گرا، تشکیل انجمن تحت عنوان "انجمن ناصری" را در امتداد و تکمیل اهداف انجمن‌های پیشین می‌دانست. از طرف دیگر به نظر می‌رسد که نامگذاری این انجمن نیز با عنوان ناصری تدبیر دیگری از سوی وی در جهت جلب حمایت بیشتر دربار ناصری جهت پیشبرد سهل‌تر امور و تحکیم موقعیت انجمن در برابر قدرتهای محلی و همچنین گروه‌های واپس‌گرای زرتشتی نیز بود. کیخسرو جی صاحب، دومین نماینده پارسیان در ایران، در این جهت سیاست سنتی مانکجی در پرداخت پیشکش و رشوه و نیز طرح دوستی با دولتمردان قاجاری را ادامه داد. در این راستا، او با کمک افرادی چون ظل السلطان و پسرش جلال‌الدین میرزا، زمینه تأسیس انجمن ناصری زرتشتیان یزد را فراهم آورد. وی در تهران سکونت گزید و توانست احترام درخور توجه‌ای میان درباریان و روسای امور کسب نماید، چنان‌که علاوه بر کسب شمشیر و مدالی از سوی ناصرالدین شاه از طرف امین السلطان نیز او به لقب خانی مفتخر شد (کیخسرو شاهرخ، ۱۳۸۲: ۳۴).

بدین ترتیب در نهایت مساعی کیخسرو جی، انجمن ناصری یزد در پنجم رجب المرجب ۱۳۰۹ هـ ق تشکیل یافت. در این جلسه کیخسرو پس از معرفی خود به عنوان مأمور خدمت از جانب اکابر پارسیان و ابراز قدردانی از ناصرالدین شاه و حاکم یزد یعنی جلال‌الدوله شرح وظایف و هدف و انگیزه از تشکیل این انجمن را چنین می‌آورد:

۱- با توجه به پراکندگی زرتشتیان و عدم تشکیل مجالس کنکاش که از قدیم الایام بوده برای جبران این وضع با توصیه انجمن اکابر پارسیان اقدام به تشکیل انجمن در یزد و کرمان می‌شود که با کارهای افراد جماعت و گرفتاریهای آنها برسند.

۲- اتفاقات و کارها را در سه دفتر، ماه به ماه ثبت و یک نسخه را به حکومت سنیه و یکی هم به هند و یکی هم به وزارت امور خارجه بدهند تا برخی از اشتباه‌کاری‌ها و کج‌گوئی‌ها و تجاوزات در پرده نماند.

۳- کلیه کارهای زرتشتیان مربوط به این اداره است تا امورات مختص به خودرایی نباشد.

۴- به عموم زرتشتیان یزد چه شهری و چه دهاتی اشعار می‌دارد که عموم کارهای زرتشتیان جزئی و کلی و شرعی و عرفی به ویژه امورات دینی راجع و متعلق به این اداره است.

۵- از این به بعد هر کار دینی که نسبت به امت و ملت زرتشتیان رخ دهد که به امضا و مشورت اداره نباشد از درجه اعتبار ساقط و فاقد اعتبار است (اشیدری، ۱۳۵۵: ۲۸۳) سپس آئین نامه را که در ۴۶ ماده تنظیم شده تشریح می‌نماید که برخی از مواد آن چنین است:

۱- اسم این جمع از امروز اداره رتق و فتق امور و اصلاح زرتشتیان موسوم است به انجمن ناصری.

۲- اجزاء ۲۸ نفر انتخاب شده‌اند.

۳- محل اجلاس اداره دهشنی دبستان ملا کیخسرو است.

۴- رسماً حق انتخاب اجزاء با وکیل انجمن پارسیان هند است که هم اینک کیخسروجی می‌باشد.

۵- از امروز املاک موقوفه در هر جایی که وقف می‌شود باید در دفتر اداره ثبت نموده و دو نفر از اجزاء اداره و یکی از علمای شرع امضا و در اداره ضبط شود.

۶- یکی از پیشنهادات اداره آنست که بوسائط لازمه و موالید و اموات و ازدواج طایفه زرتشتی را معلوم و مشخص ثبت دفتر و پنج سال یک مرتبه، سرشمار کل طایفه را برداشته به نقاط لازمه ارسال کنند.

۷- امورات دینی و اصلاح آن را به صلاح و مشورت اداره باید صورت داد.

۸- از طرف انجمن، آمد و شد درب خانه حکومت عظمی، علمای شرع و تقدیم غرایض و راپرت ماهیانه به حکومت سنیه راجع به این اداره است (اشیدری، ۲۵۳۵: ۲۸۶-۲۸۳).

بدین ترتیب این انجمن بر اساس اساسنامه‌ای موقت و با بیست و هشت نماینده در دبستان ملا کیخسرو شروع بکار کرد (کیخسرو شاهرخ، ۱۳۸۲: ۴۷) و طی ۶۵ جلسه مطالب مختلف اجتماعی مربوط به زرتشتیان را محل مذاکره قرار داد (شهردان، ۱۳۶۰: ۲۷۱)

شایان توجه آنکه اگرچه انجمن ناصری در تهران و کرمان نیز دایر شده بود اما تنها انجمن ناصری یزد توانست دوام خود را حفظ نموده و با گسترش خود در دهات زرتشتی نشین در میان انجمن‌های دیگر از اعتبار خاصی نیز برخوردار شده و در نتیجه اقداماتی موجبات رفاه زرتشتیان یزد را فراهم آورد.

۲-۳. اقدامات انجمن ناصری یزد و پیامدهای آن

همانطوری که پیشتر اشاره شد، انجمن ناصری یزد پس از تشکیل با تصویب اساسنامه ای در باب اهداف این انجمن کار خود را آغاز کرد. به نظر می رسد که در این مرحله انجمن ناصری در ادامه کار انجمن اکابر و پس از بدست آوردن دستاوردهای بزرگی چون لغو جزیه، به دنبال اهداف تکمیلی و جزئی تر در باب زندگی اجتماعی زرتشتیان یزد بود. در این جهت می توان به تمرکز امور دینی زرتشتیان در اختیار انجمن ناصری اشاره کرد. چنانکه در اساسنامه این انجمن نظارت بر همه موقوفه‌ها، زیارتگاه‌ها، دادگاهها (دخمه ها) و پاسخ گویی به مسائل شرعی به عهده انجمن ناصری واگذار شده بود. در واقع می توان گفت که با اجرای این ماده، تمامی اختیارات و امور دینی و مذهبی و عقد و نکاح از موبدان سلب و به انجمن واگذار شده بود (اردشیر زارع، ج ۲: ۱۱۵-۱۱۴). بی تردید اجرای این ماده مزایایی زیادی برای عامه زرتشتی به همراه داشته و موجبات شفافیت امور، وحدت عمل و تسریع امور زرتشتیان یزد را فراهم می کرد. چنانکه برای نمونه در یکسال انجمن توانست چهار صد فقره نزاع بین افراد این جامعه را فارغ از زد و بندها و اخاذیهای گذشته حل و فصل نماید (شهردان، ۱۳۶۰: ۲۷۱، سواد تلگرام ظل السلطان به خلق یزد). اما از طرف دیگر استمرار فعالیت این انجمن که به محدودیت قدرت موبدان منجر شده بود با مخالفت شدید موبدان سنتی یزد نیز مواجه شد. مؤید این مسئله نامه انجمن ناصری یزد به

انجمن اکابر بمبئی بود که ضمن تشریح اوضاع به این نکته چنین اشاره شده است: «در گذشته» در اکثری از کارها، طایفه دستوران مداخله نمودند و بر وفق رأی و خواهش خویش در پرده می گذرانیدند. در مراسم های مختلف از جمله ازدواج، جشن ها و غیره بدون ملاحظه به ناتوانی این اقلیت، مبالغی را دریافت نیز می کردند و اکنون که انجمن به رتق و فتق امورات پرداخته است آن را برخلاف منافع خود دانسته و به مخالفت با انجمن می پردازند» (لب و خلاصه رپورت انجمن ناصری زرتشتیان یزد: ۱۱).

پیامد این جریان، تشدید اختلافات میان دوجناح مخالف و موافق در قالب دو جریان عمده نوگرا و اصلاح طلب و جریان محافظه کار و سنتی در میان زرتشتیان یزد بود. در این میان بر خلاف طیف سنت گرا، جریان نواندیش و اصلاح طلب زرتشتیان یزد تحت تأثیر اقدامات مانکجی و نیز کیخسرو جی صاحب (شهریاری، ۱۳۶۰ س ۵، ش ۱۰: ۴۱)، ضمن مخالفت با تبعیت کورکورانه از دستوران و نیز سلطه موبدان، معتقد بودند که بایستی رویکردی عقلانی به دین داشته و از آداب و مراسم خسته کننده دینی کاسته گردد (بایکای، ۱۳۴۸: ۱۴۵). در این میان کیخسرو جی که به نقوذ جریان سنت گرا در بخشی از جامعه زرتشتی واقف بود در صدد بر آمد که جهت وفاق بیشتر جامعه زرتشتی، نمایندگان سرشناس این گروه را وارد انجمن کرد تا با سیاست هوشمندانه خود از مخالفت آنها و ایجاد تنش کاسته و از این طریق امر اصلاحات را تسریع نماید (لب و خلاصه رپورت انجمن ناصری زرتشتیان یزد: ۲-۱)، کیخسرو نیک می دانست که با توسل به این ترفند ضمن آنکه اعتبار ظاهری موبدان سنت گرا حفظ می شد، از پیامدهای بروز احساس بیگانگی و طرد شدگی موبدان سنت گرا و طرفداران آنها از بدنه جامعه زرتشتی ممانعت بعمل می آمد. ضمن آنکه با توجه به ضوابط انجمن و مبنا قرار گرفتن رأی اکثریت، دیدگاه این طیف سنت گرا در تصمیم گیریها تأثیر قابل توجهی به همراه نداشت. با این حال این اختلاف نظرها همچنان تا پایان دوره قاجار به قوت خود باقی ماند.

از دیگر اهداف ذکر شده در اساسنامه انجمن ناصری تأکید بر لزوم سرشماری هر پنج سال یکبار و ثبت موالید و ازدواج ها در دفاتر از سوی انجمن ناصری بود. از مهمترین دستاوردهای این تدبیر هویدا شدن مسایل و مشکلات جامعه زرتشتی و لزوم داشتن برنامه ریزی مدون جهت رفع مشکلات بر اساس داده های متقن و درست بود. چنانکه بر اساس نخستین سرشماری اعلام شد که از جمعیت زرتشتیان یزد حدود پنج درصد فرزندان آنها باسواد

حتی اگر از اهل اسلام هم بر زرتشتیان ادعا و گفتگویی داشته باشد رجوع بدین انجمن است» (نامه انجمن به جناب مستطاب مجدالعلماء). در نهایت سلطان العلماء را تهدید می‌کند که اگر در این زمینه خسارت و آذاری به طایفه زرتشتی وارد شود، در حضور مقامات عالی‌رتبه، دادخواهی خواهد شد. سپس در پایان نامه با سیاستی زیرکانه و احتیاط آمیز آمده است که «البته یقین است خود سرکار شریعتمدار عالی اینگونه اشخاص را از خیالات و اهیه پیشینه، منع و ساکت خواهند نمود که باعث گفتگو و دشمنی نشود» (نامه انجمن به جناب مستطاب مجدالعلماء). بدین ترتیب انجمن با پیگیریهای مستمر توانست ضمن تمرکز این دعاوی در انجمن از بروز دخالت‌های متعدد در این گونه دعاوی مانعیت عمل آورد.

از دیگر محدودیت‌های زرتشتیان یزد در رابطه با اماکن آنها می‌باشد که با اقدامات انجمن ناصری، بسیاری از آن محدودیت‌ها رفع گردید. از نظر قوانین فقه اسلامی اهل ذمه مجبور بودند تا ارتفاع ساختمان‌هایشان از خانه‌ها و ابنیه مسلمانان بیشتر نباشد و بلندی دیوار معابد و منازل آنها باید تا حدی ساخته می‌شد که دست مسلمان به آن برسد (مالکوم، ۱۳۹۴: ۷۰). وکلای انجمن پارسیان هندوستان با ارسال نامه‌ای به ناصرالدین شاه درخواست حکم محکمی در جهت رفع ممانعت از بناء عمارات زرتشتیان در یزد و کرمان می‌کنند (عریضه وکلای پارسیان هندوستان به ناصرالدین شاه، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ص ۷). قبل از آن نیز یکی از دلایل اعتراض و بلوای مردم مسلمان یزد در سال ۱۳۰۰ ه.ق این بود که در پی فرمان ناصرالدین شاه مبنی بر لغو جزیه، فردی زرتشتی به نام اردشیر دینیار بالا خانه‌ای ساخت که بلند تر از حد مجاز بود (مالکوم، ۱۳۹۴: ۷۲). با این احوال و با پیگیری‌های انجمن ناصری و حمایت حکام و هزینه مبالغی، زرتشتیان موفق گردیدند تنها به تدریج خلنه‌های مرتفع تری بسازند حتی مجوز ساخت بادگیر هم بدست آوردند.

از دیگر مسائل زرتشتیان در اجتماع یزد در دوره مورد بحث، نحوه رفت و آمد آنها در کوچه و بازار و محافل عمومی بود. بر اساس احکام فقهی شیعه، اهل ذمه حق سوار شدن بر اسب که موجب برتری یا همسانی آنان با مسلمانان می‌شد را نداشتند، اما ظاهراً فراتر از قوانین فقهی، زرتشتیان یزد حتی حق سوار شدن بر الاغ و قاطر نیز در شوارع و محافل عمومی نداشتند. انجمن طی نامه‌ای به شیخ محمدتقی مجتهد بزرگ شهر، از وی خواست که اقدامات بهتری در خصوص شرایط رفت و آمد زرتشتیان صورت دهد (عریضه انجمن ناصری به شیخ محمد تقی) گزارش‌ها مبین

بودند. در پی این سرشماری کیخسرو اعلامیه‌هایی جهت کمک به مدارس صادر کرد و خواهان کمک مالی زرتشتیان متمول شد تا از این طریق در کنار بودجه‌ای که از طرف انجمن اکابر پارسیان هند تأمین می‌شد، بتواند در جهت راه‌اندازی مدارس و احیای برخی از مدارس تعلیل شده گام بردارد. در نتیجه این فراخوان مبلغ قابل توجهی از زرتشتیان یزد جمع‌آوری شد. بعدها به تاسی از این مسئله در کرمان نیز برنامه جمع‌آوری اعانه جهت راه‌اندازی و تجهیز مدارس انجام شد (شهمردان، ۱۳۶۰: ۲۷۳-۲۷۷) از طرف دیگر در این برهه دانش‌آموزانی تربیت شده در مدارس زرتشتی تهران در دوره مانکجی نیز به کمک کیخسرو جی، خدمات قابل توجهی به عنوان مدرس در بخش تعلیم و تربیت زرتشتیان یزد ایفاء کردند که از جمله آنها می‌توان به فرزانه بهرام رستم نرسی آبادی (امینی، ۱۳۸۰: ۱۵) کیخسرو خالومان یزدی و استاد جوانمرد یزدی اشاره کرد (رحمانی، ۱۳۸۳: ۱۲). در این برهه همچنین در کنار مدرسه کیخسروی، مدارس دیگری همچون دبستان محله بیوک، مدرسه ماهیار و غیره تأسیس گردید. بدین ترتیب و به قول برخی از محققین اگرچه برخی از اقدامات در زمینه تأسیس مدارس و استمرار کار آنها در زمان حضور مانکجی در ایران به بار ننشست، اما در آن دوره زمینه‌هایی فراهم شد تا زرتشتیان یزد بتوانند پس از وی و در دوره کیخسرو جی، بمراتب زودتر از اقدام مصلحینی چون سید حسن رشیدی، نخستین مدارس را به سبک نوین را در یزد ایجاد نمایند (تشکری، ۱۳۸۴: ۲۴) در واقع دوره کیخسرو جی در اکثر روستاهای زرتشتی نشین یزد مدارس دایر گردید. این مدارس فقط ویژه پسران نبود بلکه مدارس نیز برای دختران تأسیس گردید که در آنها دروس جدید به ویژه آموزش زبان انگلیسی تدریس می‌گردید که در پیشبرد کار زرتشتیان در امر تجارت با هندوستان (نائیبیان و علیپور، ۱۳۸۹: ۱۴۵) و از انزوا در آمدن این اقلیت بسیار موثر بود.

از دیگر مسائل پر اهمیتی که انجمن ناصری یزد بر اساس اساسنامه آن وظیفه پیگیری آنها را داشت می‌توان به مباحثی چون، ثبت معاملات، ارث، تنظیم وقف نامه‌ها و غیره اشاره کرد که پیشتر توسط محاکم شرعی مسلمانان انجام می‌گرفت (سند تأییدیه علمای یزد، رمضان ۱۲۷۶). در این جهت نیز انجمن ناصری یزد طی نامه مخالفت قاطعانه خود را با این مسأله اعلام کرده که انجمن ناصری که با حکم شاهزاده امجدالدوله توسط کیخسرو صاحب تأسیس گردیده است که در آن «امورات دینی و دنیوی برای آحاد افراد وضع و شریف زرتشتیان، به شرایط چندی که شاید وقتی بسمع مبارک برسد رسیدگی و فیصله داده می‌شود.

چنان بود که شعباتی نیز در بغداد، بمبئی، کلکته و پاریس تأسیس کرد (ترابی فارسائی، ۱۳۸۴: ۷۵) در باره وی در منابع چنین آمده است: «او صراف توانگری است و صاحب صدها هزار تومان ثروت، در دربار سلطنتی ایران صاحب نفوذ و به رسمیت شناخته شده است. نزدیکی به دربار باعث جلوگیری از فشار هیئت حاکمه به زرتشتیان است. چرا که عرایض و شکایات آن ها را به نظر شاهنشاه می رساند. مسلمانان نیز به درستی او اعتقاد دارند و صرافان و بازرگانان دیگر ایران به قدر او، طرف توجه و اطمینان نیستند.» (جکسن، ۱۳۵۲: ۴۲۶) اعتبار ارباب جمشید در دربار بجای ی رسید که به لقب رئیس التجاری و دریافت نشان مفتخر گردید. (اشیدری، ۱۳۵۵: ۳۷۸) ارباب جمشید علاوه بر پرداختن در امور حمل و نقل و ترانزیت کالاهای مختلف در بخش تأسیس و امور مدارس از جمله مدرسه جمشید جم نیز اهتمام خاصی مبذول کرد از جمله برای کمک به مدرسه علوم سیاسی که توسط مشیرالدوله تأسیس شده بود در تأمین مخارج این مدرسه اهتمام خاصی مبذول کرد (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۳۶۰۰۰۷۷۷۷)

فعالیت مستمر انجمن ناصری در جهت رتق و فتق امور و اصلاح حال زرتشتیان پس از مرگ کیخسرو جی همچنان ادامه یافت. چنانکه در دوره نماینده جدید ارسالی از طرف انجمن اکابر هند یعنی اردشیر رپیورتر نیز انجمن علاوه بر اهتمام در تحقق اهداف کلی پیشین بر مسائل جزئی تر نیز برای آسان تر کردن زندگی زرتشتیان در جامعه مسلمان متمرکز شد. در این راستا، انجمن طی نامه ای به ریاست «نظمیه یزد» از توهین شخصی مسلمان به دین یک زرتشتی شکایت نمود و خواستار اخذ دیه هتک حرمت از شخص مسلمان شد (نامه انجمن به ریاست جلیله نظمیه یزد).

اسناد و شواهد همچنین گویای آن است که در این برهه انجمن ناصری به تدریج حکام نالایق یزد و آنانی که در پی تعدی و آزار زرتشتیان برمی آمدند را طی نامه نگاریهایی با مقامات مرکز شدیداً تحت فشار قرار می داد. یکی از مواردی که انجمن پیگیر آن بود، تعدی نایب الحکومه یزد به یک شخص زرتشتی بود. سرانجام مقامات تهران در تلگرافی به حکمران یزد، خواستار بررسی دقیق موضوع تنبیه یکی زرتشتی و اخذ جریمه شش هزارتومانی از وی توسط محمد کریمخان، نایب الحکومه شدند. طبق درخواست فوق، اگر صحت ادعا مشخص شد بایستی وجه مذکور مسترد و نایب الحکومه معزول گردد (تلگراف یوسف بختیاری از طهران به یزد، مجموعه گزارش های انجمن ناصری، نمره تلگراف ۳۳۲). شواهد

این است که با پیگیری های مستمر انجمن در خصوص سواره حرکت کردن زرتشتیان نسبت به سال های پیش از ۱۳۰۰ ه.ق پیشرفت های عمده ای حاصل شد. در نتیجه زرتشتیان حق سوار شدن بر الاغ داشتند، اما به هنگام رویارویی با بزرگان مسلمان باید پیاده شوند و چند قدمی که دور می شدند می توانستند دوباره به راه خود ادامه دهند.

اما شاید از قابل توجه ترین مسایل این دوره حمایت متقابل تجار زرتشتی و انجمن ناصری و دستاوردهای این جریان در یزد بود. در این برهه همزمان با توسعه روابط فرهنگی و اقتصادی زرتشتیان یزد با پاریسیان هند به ویژه در شهر بمبئی برخی از تجار زرتشتی یزد در عرضه تجاری به جایگاه برجسته ای دست یافته و تجارتخانه های معتبری دایر کردند. حمایت این تجارتخانه ها از اقدامات انجمن ناصری و همراهی و عضویت این تجار در انجمن ناصری علاوه بر افزایش اعتبار انجمن، دامنه اقدامات انجمن را از وسعت بیشتری برخوردار می کرد.

از جمله این تجارتخانه ها می توان از تجارتخانه جهانیان یاد کرد که پس از مدتی به وسیله خسرو شاه جهان و برادرانش، رستم، گودرز، پرویز و بهرام از زرتشتیان یزد و از اعضای انجمن ناصری یزد دایر شد. این تجارتخانه نیز در کنار نقش فعال در امور تجاری و صرافی با تأسیس مدارس مختلف در یزد و دیگر شهرهای ایران نقش موثری در تعلیم و تربیت دختران و پسران زرتشتی ایفاء کردند. برای نمونه یکی از این مدارس در یزد مدرسه پسرانه خسروی بود که علاوه بر تأسیس، هزینه های اداره مدرسه نیز از اوقافی که تجارتخانه جهانیان به نام مدرسه کرده بودند. تأمین می شد (شهردان، ۱۳۶۳: ۴۷۰) تجارتخانه جهانیان در حفر قنات و آباد کردن روستاهای اطراف یزد نیز نقش فعالی ایفاء کرد و به مدد توان مالی خود توانست علاوه بر ترمیم برخی از روستاها، روستاهای چندی مانند خسرو آباد و شاه جهان آباد را در یزد و رفسجان و کرمان احداث نماید. حضور این تجارتخانه ها در این دوره و فعالیتهای موثر اقتصادی و فرهنگی آنان به حدی بود که بعدها برخی از موسسان این تجارتخانه ها به مجلس شورا راه یافته و توانستند زبان گویای اقلیت زرتشتی در تأمین مسایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه خود باشند که از مصادیق این ادعا می توان به ارباب جمشید موسس تجارتخانه جمشیدیان اشاره کرد که به عنوان اولین نماینده در مجلس شورا برگزیده شد (تقی زاده، ۱۳۳۶: ۱۱) تجارتخانه جمشیدیان نیز بوسیله ارباب جمشید از زرتشتیان یزد ابتدا در تهران و بعدها شعباتی در ۱۲ شهر ایران از جمله یزد تأسیس گردید. دامنه فعالیت این تجارتخانه

از مدارس تحت نظر انجمن ناصری جهت تحصیل فرزندان خویش برآمدند. از محتوای نامه نگاری های کیومرث وفادار خطاب به اردشیر جی در این موضوع چنین بر می آید که در ایجاد تشکیلاتی در برابر انجمن ناصری، حمایت کیخسرو شاهرخ نیز در تقویت آن موثر بوده است (اسناد کیومرث وفادار، ج ۲: ۴۲۳). بدین ترتیب با موبدان ایجاد مرکزی مستقل، از مشروعیت انجمن ناصری کاسته و مکانی برای رقابت با انجمن ناصری دایر گردید.

نتیجه‌گیری

از جمله راهکارهایی که در دوره قاجاریه نقش موثری در سر و سامان دادن به وضعیت اقلیت زرتشتی ایفاء کرد تشکیل انجمن هایی بود که با حمایت پارسیان هند و با ارسال نمایندگانی در مراکز مهم زرتشتی نشین ایران به ویژه یزد شکل گرفت. از مهمترین این انجمن ها می توان به انجمن اکابر و انجمن ناصری اشاره کرد. انجمن اکابر یزد تحت نظارت مانکجی نماینده پارسیان هند و با مساعدت مالی آنان، طی سه دهه کوشش با تمرکز بر مشکلات عمده زرتشتیان از جمله بحث لغو جزیه، اهتمام در جهت تأسیس مدارس و احیای برخی از آداب و رسوم در میان زرتشتیان این اقلیت را تا حدی از حالت انفعال و انزوا خارج کنند اگرچه فعالیت این انجمن با مخالفت های بسیاری به ویژه از جانب موبدان سنت گرا مواجه گردید و گاه خود مانعی بر سر تحقق اهداف انجمن شد، اما با این حال این مساعی زمینه را برای شکل گیری انجمن بعدی یعنی انجمن ناصری فراهم کرد. با تشکیل انجمن ناصری در یزد به ریاست کیخسرو جی نماینده پارسیان هند، این انجمن علاوه بر استمرار اهداف انجمن اکابر به پیگیری تحقق اهداف جزئی تر در باب رتق و فتق امور زرتشتیان یزد پرداخت.

انجمن ناصری در ادامه روند امتیازگیری از شاهان قاجار، برای بهبود وضعیت زرتشتیان تلاش نمود. در این برهه انجمن ناصری ضمن دنبال کردن بحث تأسیس مدارس به سبک نوین در یزد و تمرکز بیشتر امور زرتشتیان و حل و فصل مسایل آنان بدست خود این اقلیت، ضمن بی نیاز ساختن زرتشتیان یزد از حضور در محاکم شرعی مسلمانان، زمینه استقلال حقوقی و قضایی آنان را نیز فراهم ساخت. در نتیجه با بدست گرفتن امور، توسط طیف تحصیلکرده، زمینه مطرح شدن این اقلیت در امور اجتماعی مهیاتر شد.

منابع

آدمیت، فریدون، (۱۳۶۱)، امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی.
 اردشیر زارع، کتاب خاطرات، ج ۲، دست نویس، نگهداری در کتاب خانه یگانگی تهران، بی تا.

نشان داد که در این روزگار انجمن با دقت مسائل و مصائب زرتشتیان یزد را زیر نظر داشت و هر نوع تعدی به آنان همانند ضرب و شتم، تجارت، سرقت و غیره بلافاصله به حاکم گزارش می شد و او موظف به رسیدگی می شد.

نظارت انجمن ناصری یزد و اقدامات آن در راستای بهبود شرایط زرتشتیان چنان دقیق بود که حتی عملکرد و فعالیت های ریپورتر نیز به بمبئی مخابره می شد. این مهم، زمانی که کیخسرو شاهرخ، نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی، به عنوان رهبر جناح متمایل به استقلال از پارسیان هند خود را نشان داد به مراتب شدیدتر شد (نامه به سکرتری انجمن بمبئی جی جی باهای میتجی).

با وجود فعالیت های انجمن ناصری، شاهد تشکیل انجمن های همسو و گاه با اختلاف نظرهایی با انجمن ناصری می باشیم که متأسفانه اطلاعات کافی از این انجمن ها موجود نمی باشد. از جمله این انجمن ها می توان به "انجمن خیرخواه زرتشتیان یزد" اشاره کرد. در مرامنامه این انجمن هدف از تشکیل آن، ملاقات دوستانه و تبادل افکار در کارها و تشیید مبانی اتفاق و اتحاد میان قوم زرتشتی و صحبت و گفتگوی علمی و بحث و تکرار در نواقصات مذهبی بنا به اقتضای موقع و وعظ و لندرز آئینی و نطق و گفتار در علوم و صنایع و غیره یاد شده است. به نظر می رسد که این انجمن نیز، انجمن ناصری و کار کرد آن را در کلیت به رسمیت شناخته بود. چنانکه در ماده ۱۲ آیین نامه این انجمن اشاره می کند که، "این انجمن کلیتاً در امورات ملتی و تجارت و فلاح که ترقی و اصلاح و پیشرفت قوم زرتشتی در آن منظور است مداخله می نماید ولی در اموری که راجع به انجمن ناصری می شود خود را دخیل نمی نماید مگر به تصویب آن انجمن و نسبت به امورات مهم ملتی این دو انجمن به صلاح و مشورت همدیگر کار را صورت میدهند." (اشیدری، ۱۳۵۵: ۲۹۰-۲۸۹)

جریان دیگری از انجمن های زرتشتیان که به تحولات درونی آنها باز می گردد "انجمن موبدان" بود که ظاهراً بعدها کنکاش نام گرفت. اگر چه در باره هدف اصلی تشکیل این انجمن اطلاع چندانی در دست نیست اما در واقع هدف اولیه از تشکیل این انجمن از سوی موبدان، تأسیس انجمنی مستقل جهت رسیدگی به امور خود و در نتیجه به نوعی رقابت با اقدامات انجمن ناصری بود (اسناد کیومرث وفادار، ج ۲: ۲۵۹). در این جهت موبدان در اولین اقدام خود در صدد ایجاد مدرسه ای مستقل

اشیدری، جهانگیر، (۲۵۳۵)، تاریخ پهلوی وزرتشتیان، تهران: هوخ.
 اشیدری، جهانگیر، (۱۳۵۵)، یادداشت های کیخسرو شاهرخ، تهران: انتشارات پرچم.
 امینی، تورج، (۱۳۸۰)، اسنادی از زرتشتیان معاصر (۱۲۵۸-۱۳۳۸)، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
 بای، کای، (۱۳۴۸)، «دیانت زرتشتی» مجموعه سه مقاله از کای بار، آسموسن، مری بویس، ترجمه فریدون وهمن، تهران: بنیاد فرهنگ ایران زمین.
 بویس، مری، (۱۳۶۴)، «مانکجی هاترایا در ایران»، ماهنامه سیاسی، اجتماعی، هنری، علمی، ادبی چیستا، ترجمه هاشم رضی، ش ۲۶، اسفند ۱۳۶۴.
 تاپار، رومیلا و اسپیر، پرسوال، (۱۳۸۷)، تاریخ هند، ترجمه همایون صنعتی زاده، قم: انتشارات ادیان.
 ترابی فارسانی، سهیلا، (۱۳۸۴)، تجار مشروطیت و دولت مدرن، تهران: نشر تاریخ ایران.
 تشکری، علی اکبر، (۱۳۸۴)، درآمدی بر شرایط اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان یزد در دوره قاجاریه، مجله فرهنگ، شماره ۵۶، صص ۱۷-۳۸.
 تقی زاده، سید حسن، (۱۳۳۶)، زمینه انقلاب مشروطیت ایران، بی جا، انتشارات گام.
 جکسن، ویلیامز (۱۳۵۲)، سفرنامه جکسن، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
 رحمانی، عنایت الله (۱۳۸۳)، جبل المتین (کلکته)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
 شورش هندوستان، (۱۳۷۲)، ترجمه آوانس ماسیان، تهران: انتشارات نیلوفر.
 شهریاری، پرویز، (۱۳۶۰)، «پارسی نامه» (پارسیان نام آور ویلند آوازه هند)، ماهنامه دینی، اجتماعی، ادبی و علمی فروهر، ش ۵، س ۱۰.
 شهزادی، رستم، (۱۳۴۵) «تاریخ انجمن های زرتشتیان»، هوخ، دوره ۱۷، ش ۳ و ۴.
 شهردان، رشید، (۱۳۵۴)، صورت فرمان های جماعت، هوخ، دوره بیست و ششم، شماره ۱۲: ۲۵-۲۹.
 شهردان، رشید، (۱۳۳۰)، فرزندگان زرتشتی، تهران: چاپ راستی.
 شهردان، رشید، (۱۳۶۲)، تاریخ زرتشتیان وفرزندگان، تهران: فروهر.
 شهردان، رشید، (۱۳۶۰)، تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان، تهران: راستی.

اسناد

اسناد کیومرث وفادار، ۲ جلد، نسخه خطی، آرشیو شخصی دکتر علی اکبر تشکری.
 تلگراف یوسف بختیاری از طهران به یزد، مجموعه گزارش های انجمن ناصری، نمره ۳۳۲، آرشیو خصوصی.
 سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۰۰۷۷۷۷۳۶۰۰.
 سواد تلگرام ظل السلطان به خلق یزد، ۱۳۰۱ ه ق، آرشیو خصوصی.
 سند تأییدیه علمای یزد، رمضان ۱۲۷۶، آرشیو خصوصی.
 عریضه انجمن ناصری به شیخ محمد تقی، ۱۸ شعبان، ۱۳۰۹، آرشیو خصوصی.
 عریضه مانکجی به ناصرالدین شاه، بی تا، آرشیو خصوصی.
 عریضه وکلای پارسیان هندوستان به ناصرالدین شاه، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ص ۷.
 نامه انجمن به ریاست نظمی یزد، ۲۴ رجب ۱۳۳۹، آرشیو خصوصی.
 نامه انجمن به جناب مستطاب مجدالعلماء، ۲۳ رجب ۱۳۰۹، آرشیو خصوصی.
 نامه به سکرتری انجمن بمبئی جی جی باهای میتجی، ۱۶ جولای، آرشیو خصوصی.
 نامه جماعت مجوس دارالعباد یزد به صدر اعظم، ذی حجه ۱۲۶۸ ه ق، آرشیو خصوصی.
 نامه میرزا تقی خان وزیر به شیخعلی خان نایب الحکومه یزد، جمادی الثانی ۱۲۶۶، آرشیو خصوصی.